

در اندیشه تنگدستان

دایان دوکریه . ترجمه: محمدعلی عسکری



آنتونیو سالازار

وقتی برای دومین بار سالازار او را نزد خاله‌اش کلوریا دید، کنجکاو شد هرچند هنوز او را کاملاً جذب نکرده بود. چون دلش با دیگری بود. سن این دختر جوان در آن زمان ۲۱سال بود. بلافاصله تاجری اهل «پورتو» او را به عقد خود درآورد. آنتونیو تلاش کرد تا بهانه‌ای برای فریب او به‌دست آورد: این برای نخستین بار بود که زنی به او پاسخ رد می‌داد. هیچ چاره‌ای نداشت. همین قضیه بود که دست‌آخر آرزوهای «کلوریا کاستانها» را برباد فنا داد.

آنتونیو از این جواب رد استفاده کرد تا به ماجراجویی‌های عاشقانه‌اش بیفزاید: آلین شاگرد مدرسه موسیقی روسی‌اش ترانه‌هایی را از طریق تلفن برای سالازار خواند؛ کسی که محافل موسیقی کومبرا را روشن می‌کرد. کلوریا داشت می‌گریست. سالازار که هرگز فقدان یکی از عشاقش را تحمل نمی‌کرد، به او گفت: «با قاطعیت می‌توانم به تو بگویم این نوازنده پیانو نامزد من نبوده و نباید کسی ادعا کند نامزد من است [...] از جوانی فوق‌العاده فعال است؛ به‌خصوص اگر دامن چین‌دارش را در نظر بگیریم. هرچند در روزگار ما هرگز دیگر نمی‌شود از روی نوع دامن کسی به شخصیتش پی برد.»

جدا از دامن‌های چین‌دار و بلند دختران پرتغالی، سالازار حواسش متوجه تنگدستی مالی مردم نیز بود که آن ایام اهالی کومبرا به‌شدت با آن درگیر بودند. تلاش کرد در اتاق پذیرایی خود تغییرات مهمی بدهد. کلوریا را مامور جمع‌آوری پول کرد. اما تشرکات سالازار در حد پاسخگویی به انتظارات آن نوازنده پیانو نبود. برایش نوشت: «اینکه من به تو بدهکار باشم، چیزی را بر من تحمیل نمی‌کند و ذهنم را مشغول نمی‌دارد.» کلوریا خشمگین شد و تحقیرش کرد. نقش او را از نه دلش پاک کرد. برایش نوشت: «به چیزی ندارم اضافه کنم، جز اینکه امیدوارم خوشیختی تو این اجازه را به من بدهد تا آن را بعد از این با چنین توصیفاتی که شایسته یک دانش‌آموزاست [...] ضایع نکنم. تا این احساس نااعلانه‌ها در دلم نماند که من از تو سوءاستفاده کرده باشم.» این نامه‌نگاری‌های مشاجره‌آمیز بین سالازار و کلوریا که از سال۱۹۱۸ شروع شده بود تا ۱۹۵۶ ادامه داشت.

دولت «منداس کابساداس» که قدرت را به‌دست گرفته بود، سالازار ۳۹ساله را به لیسیون فراخواند و به وزارت دارایی منصوب کرد. سالازار قصد داشت در کنشور اصلاحات کند. هنوز از کنار سر، فرقش را باز می‌کرد. با مشت‌آهنب کسری بودجه کشور را تأمین کرد و اموال عمومی را مانند هسان ماجراهای عاشقانه‌اش مدیریت کرد. از راکدشن معیشت افراد و لغو تعدادی از مشاغل عمومی و نیز فقیرکردن طبقه متوسط و کارگران، پروایی نداشت. در یک خانه تنگ و تاریک اقامت گزید؛ طبقه همکف ساختمان شماره۹ در خیابان «دوک ده لولیه».

این وزیر جدید برگشت و دوباره ماریا لورا را دید؛ کسی که هفت‌سال پیش با یک‌بازرگان به نام «دوارد رودیگز-دولیسورا» ازدواج کرده و به لیسیون رفته بود. معشوقه‌اش شرکت کاترپلار را در در شبه‌جزیره «ایپیرا» نمایندگی می‌کرد. این شرکت تصمیم گرفته بود شعبه‌ای نیز در لیسیون تاسیس کند. همسر ماریا لورا رئیس این شرکت شده بود؛ مردی که تمایلیش به زنان باعث شده بود تا نماینده‌ای شکست‌خورده باشد.

ماریا لورا فرزندی به دنیا نیاورده بود. باین‌حال گذر سال‌ها بر زیبایی‌اش افزوده بود. آنتونیوی «چرب‌زبان» و صاحب قدرت، عطر فاخر او را بسیار دوست می‌داشت. این بار دیگر چیزی مانع او نمی‌شد. او دیگر کاملاً از مدرسه کشیشی فاصله گرفته بود.

ماریا لورا شروع به رفت‌وآمد به وزارتخانه سالازار کرد. تا آنجا که می‌توانست بدون اعلام قبلی می‌آمد و می‌رفت. بنا به خواسته آنتونیو آپارتمانش را رنگ کرد. روی کانایه اتاق پذیرایی چهار پشتی از جنس کتان گذاشت.

ادامه دارد

کا آقای کرزی! شما سرانجام و پس از ۳۱سال برای همیشه از ارگ ریاست‌جمهوری خداحافظی کرده‌اید، اما برخی **شنیده‌ها** حکایت از این دارند **حامد کرزی** خود یک دولت در سایه است. **نظر شما در مورد این دیدگاه چیست؟**

نخیر. من دولت در سایه نیستم؛ من رئیس‌جمهور پیشین افغانستان و امروز به‌عنوان یک شهروند در خدمت دولت فعلی افغانستان هستم.

کا در سال‌های آخر دوران ریاست‌جمهوری شما به طور بزرگ به حضور و نوع فعالیت نیروهای نظامی بین‌المللی و به‌ویژه آمریکایی‌ها در خاک افغانستان اعتراضاتی داشتید. همین اعتراضات منجر به این شد که پیمان امنیتی با آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری شما امضا نشود. این در حالی است که حضور شما در عرصه سیاست

افغانستان پس از دخالت مستقیم نیروهای نظامی آمریکایی میسر شد. این دومساله را چگونه در کنار هم قرار می‌دهید؟

آمریکایی‌ها بعد از حمله به برج‌های دوقلو در نیویورک و حادثهٔ ۱۱سپتامبر ۲۰۰۱ افغانستان آمدند. آنها در آزادی افغانستان نقش‌آفرینی کردند و از اشغال پنهان بیرونی و تروریسم و حضور طالبان به افغانستان یاری رساندند. ما ممنون آنها هستیم و پاسدار دستاورد آنان هم بودیم. این اتفاق کاری به خیر افغانستان بود و کسی منکر آن نیست. دولت و ملت افغانستان این مساله را می‌پذیرد و ما از این مساله تشکر می‌کنیم. چیزی که ما با آن مخالفت داشتیم و من شخصاً به‌عنوان رئیس‌جمهور با آن مخالفت کردم، عملکرد آمریکا بعد از آزادی افغانستان در ۱۰سال گذشته بوده است. چون ما می‌دانستیم تروریسم در افغانستان وجود ندارد. تروریسم در ده و در منزل مردم افغانستان نیست. تروریسم از بیرون مرزها به افغانستان می‌آید. ما به آمریکا‌ها می‌گفتمت خانه‌های مردم افغانستان را بمباران نکنید و مردم افغانستان را به زندان نبرید؛ زندان نسازید؛ چون تروریسم اینجا نیست. اختلافات عمده ما بر سر این نوع مسایل بود؛ آن‌موقع مجبور بودم برای دفاع از مردم افغانستان سخن بگویم و باید این مسایل را به آمریکایی‌ها یادآوری می‌کردم و حالا هم خوشحالم که این کار را کرده‌ام. بحث اختلاف ما روی عملکرد آمریکا به‌ویژه بعد از سال۲۰۰۴ بود که آنها بمباران شهرهای افغانستان را شروع کردند و مردم را آزار دادند. اما ما از کمک‌هایی که آمریکایی‌ها به مردم افغانستان کردند، تشکر می‌کنیم. من به‌دلیل کمک‌هایی که آنها در ساحت مُلکی و در کارهای عمرانی به این کشور کردند، سپاسگزاری می‌کنم ولی از عملکرد نظامی آنها راضی و خوشحال نیستم و کوشش کردم مانع این نوع عملکرد آنها شوم.

کا به‌نظر می‌رسد برگزاری انتخابات طولانی و در پی آن به‌تعویق افندان تشکیل کابینه، جامعه افغانستان را تحت‌تاثیر خود قرار داده است. کشت و گی در پایتخت به تنهایی نشان می‌دهد مردم نسبت به آینده کوتاه‌مدت دچار یأس و ناامیدی شده‌اند و شهروندان برای تأمین معاش با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. به نظر شما در جریان انجام وظایف و توزیع قدرت، «اشرف‌غنی» جانشین شما و «عبدالله‌عبدالله» رئیس هیات اجرایی حکومت وحدت ملی تا چه حد یکدیگر را تحمل می‌کنند و تا چه میزان با یکدیگر در قالب حکومت وحدت ملی همکاری نزدیک خواهند داشت؟

هر دویزگوار ما، رئیس‌جمهور محترم و رئیس محترم هیات اجراییه افغانستان با هم رابطه بسیار نیک و حسنه دارند و برای ایجاد و ثبات حکومت وحدت ملی تلاش و کوششی می‌کنند. امیدواریم پس از اینکه شورای ملی از رخصتی زمستانی –تعطیلی زمستانی– خود بازگردند، این دویزگوار حکومت را تکمیل و اعضای باقی‌مانده کابینه را هم معرفی کنند.



گفت‌وگو با حامد کرزی رئیس‌جمهور پیشین افغانستان:

در سایه نیستم

«هرچه سوال دارید برسیسد. آزاد، آزاد، کاملاً آزاد»؛ گفت‌وگو با «حامد کرزی» رئیس‌جمهور پیشین جمهوری اسلامی افغانستان با این جمله او آغاز شد. رئیس‌جمهور پیشین همسایه شرقی در روستای «کرز» در نزدیکی ولایت «قندهار» در جنوب افغانستان متولد شد. پدرش در دهه۴۰ خورشیدی معاون رئیس پارلمان افغانستان بود و سرانجام در شهر «کوئته» پاکستان کشته شد. حامد کرزی سیاستمداری پرنوفذ در عرصه سیاست افغانستان است، هرچند امروز او خود را تنها یک‌شهروند افغانستانی می‌خواند، اما بسیاری بر این باورند که او همچنان نقش رهبری در سایه حکومت وحدت ملی افغانستان را نیز بازی می‌کند. رئیس‌جمهور پیشین افغانستان بر این باور است که تروریسم در افغانستان ریشه ندارد و از بیرون مرزها به این کشور می‌آید. او همچنان به نقد عملکرد نیروهای نظامی بین‌المللی، به‌ویژه نیروهای آمریکایی می‌پردازد و تأکید می‌کند آنها نمی‌بایست به بهانه پیگرد تروریست‌ها، شهرهای مختلف افغانستان را بمباران می‌کردند. کرزی در گفت‌وگوی خود با «شرق» می‌گوید: «دولت افغانستان در دوران ریاست‌جمهوری او و حتی امروز در مساله فساد مالی با مشکلات بزرگی روبه‌رو بوده و هست.» و تأکید می‌کند منکر وجود فساد مالی در اداره حکومت افغانستان نیست. به گفته او، داعش پدیده افغانی نیست. کرزی با اطمینان می‌گوید این مساله از بیرون به افغانستان آورده شده است و توسط دست‌های بیرونی در این کشور تقویت و تشدید می‌شود. حامد کرزی گفت‌وگوی صمیمی خود با «شرق» را با آوایی رسا و صمیمی اینچنین به پایان می‌برد: «مهربان هستید. بسیار خوش آمدید. بسیار خوش آمدید، بسیار خوش آمدید.»

پاکستان کشته شد. حامد کرزی سیاستمداری پرنوفذ در عرصه سیاست افغانستان است، هرچند امروز او خود را تنها یک‌شهروند افغانستانی می‌خواند، اما بسیاری بر این باورند که او همچنان نقش رهبری در سایه حکومت وحدت ملی افغانستان را نیز بازی می‌کند. رئیس‌جمهور پیشین افغانستان بر این باور است که تروریسم در افغانستان ریشه ندارد و از بیرون مرزها به این کشور می‌آید. او همچنان به نقد عملکرد نیروهای نظامی بین‌المللی، به‌ویژه نیروهای آمریکایی می‌پردازد و تأکید می‌کند آنها نمی‌بایست به بهانه پیگرد تروریست‌ها، شهرهای مختلف افغانستان را بمباران می‌کردند. کرزی در گفت‌وگوی خود با «شرق» می‌گوید: «دولت افغانستان در دوران ریاست‌جمهوری او و حتی امروز در مساله فساد مالی با مشکلات بزرگی روبه‌رو بوده و هست.» و تأکید می‌کند منکر وجود فساد مالی در اداره حکومت افغانستان نیست. به گفته او، داعش پدیده افغانی نیست. کرزی با اطمینان می‌گوید این مساله از بیرون به افغانستان آورده شده است و توسط دست‌های بیرونی در این کشور تقویت و تشدید می‌شود. حامد کرزی گفت‌وگوی صمیمی خود با «شرق» را با آوایی رسا و صمیمی اینچنین به پایان می‌برد: «مهربان هستید. بسیار خوش آمدید. بسیار خوش آمدید، بسیار خوش آمدید.»

و برخی کشورهای جهان رو به گسترش است. به نظر می‌رسد اگر داعش توانبد به‌صورت استراتژیک در یک کشور عمل کند، فعالیت‌های تاکتیکی خواهد داشت. رفتارهای این گروه تروریستی، سیال است. با توجه به نزدیکی فکری نسبی طالبان و داعش، متأسفانه ممکن است زمینه حضور و فعالیت این گروه در افغانستان میسر باشد. این در حالی است که ما معتقدیم امنیت افغانستان نه‌تنها برای این کشور مهم و حیاتی است، بلکه بر تمامی کشورهای منطقه از جمله ایران تأثیرگذار خواهد بود. نگرانی‌های شما درباره فعالیت احتمالی این گروه تروریستی در خاک افغانستان چیست؟

داعش یک پدیده افغانی نیست. نمی‌دانم داعش زاییده حالات عراق و سوریه است یا هم دارند. این رابطه، رابطه دولت است. ما مطمئن هستیم آینده این رابطه بهتر و محکم‌تر از امروز خواهد بود. ما با هر سهریس‌جمهور ایران رابطه نیک و حسنه داشتیم و از هرسه آنها تشکر و به خصوص از ملت ایران تشکر می‌کنیم

افغانی نیست. اگر داعش در افغانستان فعالیتی دارد، بی‌شک و با اطمینان کامل می‌گویم این مساله از بیرون به افغانستان آورده شده است و توسط دست‌های بیرونی در افغانستان تقویت و تشدید می‌شود. در کشور ما جای طبیعی برای رشد داعش وجود ندارد. پس اگر به نام داعش حرکت وسیع‌تری در افغانستان اتفاق بیفتد، ما در این شک نخواهیم داشت که این مساله زاده و پرورده بیرون خواهد بود.

کا آقای کرزی! مساله رابطه ایران و افغانستان نه‌تنها برای دوکشور همسایه، بلکه برای منطقه بسیار مهم و تأثیرگذار است و ایران در سه‌حلقه از پنج حلقه سیاست خارجی حکومت وحدت ملی جای دارد. با توجه به سفر قریب‌الوقوع آقای «اشرف‌غنی» رئیس‌جمهورمحترم افغانستان که سرانجام به ایران انجام می‌شود، شما وضعیت روابط آتی تهران و کابل را چطور ارزیابی می‌کنید؟

من آینده روابط دوکشور را بسیار نیک می‌بینم. افغانستان و ایران دومتل با هم برادر و هم زبان و هم هستند و مشترکات عظیم فرهنگی و تاریخی با هم دارند. این رابطه، رابطه دوست است. ما مطمئن هستیم آینده این رابطه بهتر و محکم‌تر از امروز خواهد بود. رئیس‌جمهور افغانستان به ایران سفر می‌کند و هر دوکشور در



رابطه نیک و حسنه داشتیم و از هرسه آنها تشکر و به‌خصوص از ملت ایران تشکر می‌کنیم.

کا روابط کابل – اسلام‌آباد در سال‌های گذشته با تنش‌هایی روبه‌رو بوده است. به نظر می‌رسد افکار عمومی در افغانستان هم نسبت به مجموع عملکرد پاکستان در افغانستان بسیار حساس و در برخی اوقات منتقدانه است. اگرچه امروز و با تشکیل حکومت وحدت ملی و سفر مقامات عالیرتبه دوکشور به نظر می‌رسد روابط دوکشور در حال ترمیم و گسترش است. اما حساسیت‌ها همچنان پابرجاست. نگاه شما به نوع روابط آتی افغانسان و پاکستان چیست؟

ملت پاکستان مثل ملت ایران دوست افغانستان هستند و ما بسیار به هم نزدیک هستیم. در جریان جهاد افغانستان، ملت پاکستان دوستی زیادی با ما کردند و میلیون‌هامهاجر افغانستان را در خاک خود جای دادند و پذیرفتند. ملت پاکستان و افغانستان فقط دوستی و محبت کردند. شکایت ما از مردم پاکستان نیست. شکایت ما از اداره نظامی و استخباری پاکستان است. اینها افراطیت (افراطی‌گری) را پرورش دادند و افراطی‌گری در افغانستان و منطقه را به‌عنوان ابزار سیاست خود قرار دادند. از آن ناحیه، افغانستان رنج عظیمی برده و درد عظیمی را کشیده است. امیدوار هستیم نظامین و ادارات استخباراتی پاکستان امروز به این نتیجه رسیده باشند افغانستان مستقل که

روی پای خود ایستاده، به‌نفع منافع ملی آنها هم است. امیدوارم آنها این تلاش و کوشش را کنار بگذارند که بخواهند افغانستان را زیردست خود داشته باشند. این مساله ممکن نیست. دنیا شاهد است که افغانستان پیش‌وپس از سال۲۰۰۱ تا به امروز قربانیان زیادی را برای آزادی و استقلال خود داده است. در طول تاریخ، ما تسلیم آمریکا نشدیم؛ تسلیم انگلیس نشدیم؛ تسلیم شوروی نشدیم؛ چرا باید تسلیم نظامیان پاکستان شویم؟ هرگز تسلیم نمی‌شویم. امیدواریم آنها این مساله را درک کنند و دست از رفتار گذشته بوند بکشند و با افغانستان از راه صلح در پیش بیایند و طالبان را به مذاکره با دولت افغانستان وادار کنند که این مساله به‌نفع هر دوکشور خواهد بود. ما از پاکستان ایشان دوستی و مراودت و رفاقت می‌خواهیم؛ اما باید توجه داشت که این رفاقت و دوستی میان دوکشور مستقل و با علائقی که منافع ملی هر دوکشور را در نظر داشته باشد.

کا ۱۳سال در جامعه‌ای که به قول شما از هیچ کمی برای فعالیت نیست. شما برای تعالی کشور خود زحمات بسیاری کشیده‌اید. نکات مهم دستاوردهای دوران حکومت شما برای افغانسان چه بوده است؟

یکی از دستاوردها این بود که افغانستان دوباره خانه همه افغان‌ها شده است؛ هر افغان با هر فکر و از هرگوشه افغانستان و از هر قوم و زبان افغانستان، زن و مرد افغانستان به افغانستان بازگشتند و همه با هم برای ساختن و آبادکردن کشور خود کوشش کردند. در ۱۳سال گذشته برق افغانستان دوباره در سراسر دنیا به اهتزاز درآمد و روابط وسیعی با کشورهای جهان را آغاز کرد. افغانستان میلیون‌هافرزند خود را دوباره به مکتب و مدرسه روانه کرد و هزاران جوان افغانستانی به کشورهای خارجی مانند ایران و… برای تحصیلات آکادمیک آمدند. در ۱۳سال گذشته افغانستان صاحب خیابان، سرک، مطبوعات آزاد و نهادهای سیاسی براساس قانون‌اساسی شد.

در بیش از دودهه گذشته این‌کشور رنگ زیبایی‌تری در جهان اختیار کرد و این مسایل باعث خوشوقتی و خوشی من به‌عنوان رئیس‌جمهور افغانستان طی ۱۳سال گذشته شده است. البته این دستاوردها هرگز بدون قربانی و رنج و درد مردم نبوده است. ملت افغانستان قربانی‌های زیادی را در این راه تقدیم کرده است. همین چندرز پیش در ولایت «لوگر» افغانستان ۲۲نفر از سربازان اردوی ملی– ارتش ملی افغانستان– شهید شدند. بی‌شک دستاوردهای افغانستان با تقدیم قربانیان و شهدا و فداکاری‌های ملت افغانستان همراه بوده است.

کوشش تدارک این سفر هستند.

کا حکومت ۳ساله شما در افغانستان با به‌قدرت‌رسیدن سهریس‌جمهور ایران همزمان بوده است. روابط افغانستان و ایران در سه‌دوره ریاست‌جمهوری روسای‌جمهور در ایران چگونه بوده است؟

زمانی‌که من رئیس‌جمهور افغانستان شدم، آقای «سید محمد خاتمی» رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران بودند و آغاز رابطه بسیار نیک و عمیق ما خوشیخانه از دولت ایشان آغاز شد و رئیس‌جمهوری وقت ایران سنگ تهداب (شالوده) نیک و خوبی را در رابطه با افغانستان گذاشتند. بعد از آن، این رابطه را رئیس‌جمهور «محمود احمدی‌نژاد» به‌صورت کشور «حسن نکه داشتند و رئیس‌جمهور «حسن روحانی» هم این رطه را به همان منوال و به همان خوبی حفظ کردند

و ما با هر سهریس‌جمهور ایران

رابطه نیک و حسنه داشتیم و از هرسه آنها تشکر و به‌خصوص از ملت ایران تشکر می‌کنیم.

نقاب جلادداعش افتاد چشم‌ها و بخشی از بینی‌اش را نبوشانده بود و همین در کنار لهجه بریتانیایی‌اش برای برملاکردن هویتش کافی بود. «جان جهادی»، جلاد شهره داعش اگرچه هیچ‌گاه نقاب سیاهش را از چهره برنداشت؛ اما نیروهای امنیتی بریتانیا نقاب از چهره او برداشته‌اند. آنطور که روزنامه «واشنگتن‌پست» گزارش داده نام اصلی این جلاد «محمد اموازی» است. او که بریتانیایی و اهل غرب لندن بوده است، در شش‌سالگی از کویت به لندن مهاجرت کرده و اکنون ۲۶ساله و فارغ‌التحصیل دانشگاه لندن در رشته برنامه‌ریزی کامپیوتر است. او در میان دوستانش به مدوب‌بودن و علاقه به پوشیدن لباس‌های شیک معروف بوده است. به گفته یکی از دوستان سابق او در بریتانیا، اموازی مدت کوتاهی پیش از ناپدیدشدنش در سال ۲۰۱۲ از تمایل به تدریس انگلیسی در عربستان سعودی گفته است. آنطور که یکی از گروهان‌های سابق به واشنگتن‌پست گفته: «او بخشی از تیم مسوول امنیت گروگان‌های غربی در زندان ادلب سوریه بوده است.» به گفته این گروهان، او به همراه دومرد دیگری که لهجه بریتانیایی داشته‌اند، در آنجا بوده و به عنوان فردی آرام و باهوش توصیف شده است. گفته شده نهادهای امنیتی بریتانیا پیش از این، او را شناسایی کرده بودند. اما به دلایل عملیاتی نخوسته‌اند هویش را فاش کنند. محمد اموازی اولین بار در ماه اگوست گذشته (نزدیک به شش‌ماه پیش) در ویدئویی که به نظر می‌رسد از لحظه کشته‌شدن «جیمز فولی» روزنامه‌نگار آمریکایی ثبت شده، دیده می‌شود.

تصور می‌شود او بعدها در ویدئوهای بریده‌شدن سر «استیون ساتلاف»، روزنامه‌نگار آمریکایی، «دیوید هیز» امدادگر بریتانیایی، «آلن هنینگ» راننده تاکسی بریتانیایی و «عبدالرحمان کاسیگ» (پیتز کاسیگ) امدادگر آمریکایی، دیده شده است. معلوم نیست نیروهای امنیتی بریتانیا چه زمانی هویت او را کشف کرده‌اند، اما مشخص شده او فردی قابل‌توجه برای MIS بوده و دست‌مکرم از سال ۲۰۱۱ به دلیل گفته‌هایی در یک پرورنده نیمه‌محرمانه مرتبط با افراط‌گرایی در خارج از بریتانیا داشته، تحت‌نظر قرار داشته است. پیش از این از اموازی، به عنوان عضو یک شبکه ۱۳نفره مرتبط با افراط‌گرایان در لندن نام برده می‌شد که دست‌مکم دوفرز از آنها تحت بازداشت خانگی قرار داشتند. واشنگتن‌پست مدتی قبل گزارش کرده بود دوستان اموازی گفته‌اند او متعلق به یک خانواده «خوب» بوده و در دانشگاه در رشته برنامه‌ریزی برای کامپیوتر درس خوانده است. براساس همین گزارش، او همدست فردی مظنون است که در سال ۲۰۰۶ به سومالی سفر کرده و گفته می‌شود در تجهیز و حمایت مالی گروه «الشباب» در سومالی نقش داشته است.

تیشه داعش بر میراث بشری

● تروریسم فرهنگی بی‌سابقه نیست. همین دهه پیش بود که مجسمه‌های بودا در دره بامیان افغانستان پس از آنکه برای مدت هزارو۵۰۰سال از تهدیداتی چون حملات جنگ‌یزخان و نادرشاه جان سالم به در برده بودند، عاقبت تسلیم توپ‌ها و دینامیت‌های طالبان شدند. اما آنچه بی‌سابقه است،

هجوم همه‌جانبه تروریست‌های داعش به تمامی میراث تمدن بشری، آن‌هم در جغرافیایی است که به گمان بسیاری گهواره تمدن بوده است. بازگشت به بشیوه‌های کشتار بدوی و نسل‌کشی اقلیت‌های مذهبی کافی نبود، اکنون تروریست‌های داعش دیگر حتی به فروش میراث باستانی نیز رضایت نمی‌دهند. گستاخی و سبعبت ترحم‌آمیز آنان به حدی رسیده که با پتک، مته و ابزارهای برقی و صنعتی به جان آن دست‌آثار باستانی افتاده‌اند که قدمت برخی از آنها به هفت قرن پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد؛ روندی که بنابر برخی گزارش‌های غیررسمی از ماه دسامبر سال گذشته آغاز شده و اکنون تبهکاران داعش در ویدئویی پنج‌دقیقه‌ای که روز پنجشنبه منتشر کردند، بر آن صحه گذاشتند. انتشار تصاویر تخریب مجسمه‌ها و تندیس‌های مربوط به دوران هلنیستی و حاکمیت آشوریان در موزه موصل و همچنین مجسمه گاو بالدار در بنای یادبود دروازه نرگاز در استان نینوا، باعث جمع جهانی را در چنان شوک عمیقی فرو برده که سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی سازمان‌ملل‌متحد (یونسکو) خواهان تشکیل جلسه ویژه شورای امنیت برای رسیدگی به تخریب آثار باستانی و هنری توسط تروریست‌های داعش شده است. یونسکو در حالی از تخریب دست‌کم هفت تندیس اصلی از آثار باستانی شهرهای هترا و نیمرو، به عنوان میراث‌اتی ثبت‌شده جهانی خبر داده که «ایرنا بونکوا»، ریس این سازمان، حمله به موزه موصل را فراتر از یک تراژدی فرهنگی دانسته و خواستار آن شده تا به منظور جلوگیری از گسترش هرچه بیشتر خشونت‌های فقه‌ای و افراط‌گرایان در منطقه، به این مساله هم‌چون یک موضوع امنیتی نگریسته شود. این در حالی است که ادعای تروریست‌های داعش مبنی بر بت‌وارگی آثار باستانی تخریب‌شده و مغایرت آنان با آموزه‌های اسلامی هنگامی رنگ می‌بازد که بدانیم فروش غیرقانونی میراث باستانی بخش قابل‌توجهی از درآمدهای این گروه را تشکیل می‌دهد. حتی اگر از بدلی بودن برخی از تندیس‌های نابودشده نیز بگذریم، پروفیسور «ساموئل هاردی»، استاد انستیتو باستان‌شناسی کالج دانشگاهی لندن بر این باور است تقریباً تمامی آثار نشان داده‌شده در ویدئو به این دلیل تخریب شده‌اند که قابلیت انتقال به بیرون از موزه و فروش در بازار سیاه را نداشتند.

چشم‌ها و بخشی از بینی‌اش را نبوشانده بود و همین در کنار لهجه بریتانیایی‌اش برای برملاکردن هویتش کافی بود. «جان جهادی»، جلاد شهره داعش اگرچه هیچ‌گاه نقاب سیاهش را از چهره برنداشت؛ اما نیروهای امنیتی بریتانیا نقاب از چهره او برداشته‌اند. آنطور که روزنامه «واشنگتن‌پست» گزارش داده نام اصلی این جلاد «محمد اموازی» است. او که بریتانیایی و اهل غرب لندن بوده است، در شش‌سالگی از کویت به لندن مهاجرت کرده و اکنون ۲۶ساله و فارغ‌التحصیل دانشگاه لندن در رشته برنامه‌ریزی کامپیوتر است. او در میان دوستانش به مدوب‌بودن و علاقه به پوشیدن لباس‌های شیک معروف بوده است. به گفته یکی از دوستان سابق او در بریتانیا، اموازی مدت کوتاهی پیش از ناپدیدشدنش در سال ۲۰۱۲ از تمایل به تدریس انگلیسی در عربستان سعودی گفته است. آنطور که یکی از گروهان‌های سابق به واشنگتن‌پست گفته: «او بخشی از تیم مسوول امنیت گروگان‌های غربی در زندان ادلب سوریه بوده است.» به گفته این گروهان، او به همراه دومرد دیگری که لهجه بریتانیایی داشته‌اند، در آنجا بوده و به عنوان فردی آرام و باهوش توصیف شده است. گفته شده نهادهای امنیتی بریتانیا پیش از این، او را شناسایی کرده بودند. اما به دلایل عملیاتی نخوسته‌اند هویش را فاش کنند. محمد اموازی اولین بار در ماه اگوست گذشته (نزدیک به شش‌ماه پیش) در ویدئویی که به نظر می‌رسد از لحظه کشته‌شدن «جیمز فولی» روزنامه‌نگار آمریکایی ثبت شده، دیده می‌شود.

تصور می‌شود او بعدها در ویدئوهای بریده‌شدن سر «استیون ساتلاف»، روزنامه‌نگار آمریکایی، «دیوید هیز» امدادگر بریتانیایی، «آلن هنینگ» راننده تاکسی بریتانیایی و «عبدالرحمان کاسیگ» (پیتز کاسیگ) امدادگر آمریکایی، دیده شده است. معلوم نیست نیروهای امنیتی بریتانیا چه زمانی هویت او را کشف کرده‌اند، اما مشخص شده او فردی قابل‌توجه برای MIS بوده و دست‌مکرم از سال ۲۰۱۱ به دلیل گفته‌هایی در یک پرورنده نیمه‌محرمانه مرتبط با افراط‌گرایی در خارج از بریتانیا داشته، تحت‌نظر قرار داشته است. پیش از این از اموازی، به عنوان عضو یک شبکه ۱۳نفره مرتبط با افراط‌گرایان در لندن نام برده می‌شد که دست‌مکم دوفرز از آنها تحت بازداشت خانگی قرار داشتند. واشنگتن‌پست مدتی قبل گزارش کرده بود دوستان اموازی گفته‌اند او متعلق به یک خانواده «خوب» بوده و در دانشگاه در رشته برنامه‌ریزی برای کامپیوتر درس خوانده است. براساس همین گزارش، او همدست فردی مظنون است که در سال ۲۰۰۶ به سومالی سفر کرده و گفته می‌شود در تجهیز و حمایت مالی گروه «الشباب» در سومالی نقش داشته است.

شماره مجوز: ۱۳۳۵، ۱۳۹۳

آگهی فراخوان مناقصه عمومی ۱۹۶/۹۲

((یک مرحله ای – نوبت دوم))

شرکت گاز استان خوزستان واقع در اهواز – میدان شهید بندر – ابتدای بزرگراه اهواز سربندر در نظر دارد جهت خرید کالای مورد نیاز نسبت به برگزای مناقصه به شرح زیر اقدام نماید.

موضوع: خرید اسکوتر،زور، لوله بر پلی اتیلن ، ری رانددینگ در سایزهای مختلف تقاضای ۸۰۰-۳۰۹۸۹۳۷۹

تاریخ و مهلت تحویل اعلام آمادگی و ارائه رزومه کاری و مدارک متقاضی : حدا کثر ۱۴ روز بعد از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم

نام و نشانی مدیر طرح : اهواز – رئیس امور کالا – ساختمان امور کالا

نحوه دریافت اسناد مناقصه : حضوری و هزینه خرید آن ۱۵۰۰۰۰ ریال می باشد.

محل توزیع اسناد : اهواز – میدان شهید بندر – شرکت گاز استان خوزستان – امور قراردادها-اتاق ۱۱۳

تاریخ توزیع اسناد : ۵ روز کاری پس از اتمام مهلت اعلام آمادگی

ضمنا آگهی های این شرکت در شبکه اطلاع رسانی شرکت گاز استان خوزستان WWW.NIGC.KHGC.ir و همچنین پایگاه ملی مناقصات درج شده است.

ارائه رزومه کاری متقاضی و تکمیل پرشنامه استعلام ارزیابی بهمهراه اعلام آمادگی و ذکر شناسه ملی و ارائه آدرس دقیق پستی، کدپستی، تلفن تماس و دورنگار الزامی میباشد.

تذکر مهم : تا قبل از گشایش پاکات پیشنهادات، ارزیابی مناقصه گران انجام خواهد شد.و فقط پاکات پیشنهاد مناقصه گرانی که در ارزیابی مناقصه مربوطه تایید شوند گشوده خواهد شد و پاکات سایر مناقصه گران عینا مسترد می گردد.

روابط عمومی شرکت گاز استان خوزستان